

بسمه تعالی

## راهبردهای تمرکز زدایی و تراکم زدایی از تهران به عنوان پایتخت ایران

از: دکتر محمدرضا حافظ نیا، استاد و مدیر قطب جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

برای ارائه به:

همایش تمرکز زدایی و ساماندهی پایتخت

تهران - دانشگاه تربیت مدرس (قطب جغرافیای سیاسی)، ۴ و ۵ اسفند ۱۳۹۳

### چکیده:

الگوی نظام حکومتی در ایران تک ساخت و بسیط است، که بر اساس آن قدرت سیاسی در دست شخصیت حقوقی واحدی بنام حکومت مرکزی قرار دارد که در تهران به عنوان پایتخت مستقر بوده و از این مکان بصورت عمودی حاکمیت خود را اعمال می- نماید. علاوه بر این نظام اداری در دستگاههای حکومتی متمرکز بوده و فرآیندهای اداری و بوروکراتیک برای اداره امور اجرایی، فنی، تخصصی، خدماتی و عمومی در سطوح مختلف تقسیمات فضایی کشور، به مرکزیت تهران شکل گرفته و انجام می-پذیرد. تمرکز قدرت سیاسی و اداری در ایران محصول فرایندهای سیاسی پس از انقلاب مشروطه در طی یک قرن اخیر می باشد که منجر به اقتدار مکان شهری تهران به عنوان پایتخت گردیده است. اقتدار مزبور به تدریج باعث قطبی شدن تهران در فضای ملی کشور و تراکم منابع مالی و اقتصادی، فنی و تخصصی، علمی و آموزشی، اجتماعی و فرهنگی، ارتباطی و صنعتی، نظامی و امنیتی و غیره در آن شد که حاصل آن شکل‌گیری حرکت و هجرت جمعیت و شهروندان ایرانی از سرتاسر فضای ملی به سوی تهران و تمرکز و رشد فوق‌العاده و سرطانی آن در همه ابعاد گردید و منظومه و سپهر شهری تهران و شهرها و سکونتگاههای اقماری را در جنوب البرز مرکزی و استانهای تهران و البرز همراه با انبوهی از مشکلات، تنگناها و چالشها بوجود آورد. از آنجایی که نقطه آغاز و نیز تداوم روند تمرکز و تراکم همه جانبه و چندبعدی جمعیت و فعالیت تهران طی یک قرن اخیر تا کنون، تمرکز قدرت سیاسی و اداری در آن می‌باشد، بنابراین برای کاستن از آنها و متعادل و متناسب کردن جثه و جان تهران، گریزی از تمرکززدایی سیاسی و اداری و تراکم زدایی پدیده‌ها فضایی از آن وجود ندارد. این مقاله راهبردهای مفروض برای تمرکززدایی و تراکم زدایی از پایتخت را پیشنهاد می‌دهد.

**واژگان کلیدی:** تمرکززدایی سیاسی، تمرکززدایی اداری، تراکم زدایی، تهران، ایران، حکومت.

## مقدمه:

حکومتها به عنوان نظام فرمانروا بر فضای جغرافیایی مربوطه از حیث ساختار قدرت از اشکال گوناگونی برخوردارند که در تقسیم بندی کلی شامل حکومتهای تک ساخت و چند ساخت می باشند. حکومت تک ساخت از خصلت تمرکز کانونی قدرت سیاسی در فضای ملی برخوردار است و حکومت های چند ساخت نیز شامل الگوهای مختلف فدرال و ناحیه ای می باشند (حافظ نیا و کاویانی راد، ۱۳۹۱: ۲۶-۳۱).

ویژگی های حکومت تک ساخت که از آنها به عنوان حکومت بسیط نیز تعبیر می شود، عبارتند از:

- ۱- برخورداری از تمرکز قدرت سیاسی و اعمال آن از یک نقطه به عنوان پایتخت به سراسر کشور
  - ۲- وضع و اجرای قوانین و فرمانهای حکومتی بطور یکنواخت و یکسان در سراسر کشور و عدم توجه به تفاوت های جغرافیایی
  - ۳- تمایل به تمرکز اداری و اجرایی و برخورداری از بوروکراسی گسترده و پیچیده
  - ۴- کنترل شدید بر سطوح منطقه ای و محلی قلمرو جغرافیایی و ساختارهای حکومتی و عدم تمایل به واگذاری قدرت به آنها
  - ۵- تمرکز در نظام مالی، بودجه ریزی، تخصیص منابع و غیره (حافظ نیا، ۱۳۹۲: ۲۶۷).
- حکومت های تک ساخت از میل طبیعی به وحدت ساختاری، تمرکز طلبی و یکپارچه سازی قدرت و نیز تمرکزگرایی در امور اداری و اجرایی برخوردارند، هر چند بین نظام تک ساخت و تمرکز قدرت سیاسی در یک کانون، با تمرکز اداری و اجرایی ملازمه ای وجود ندارد (قاضی، ۱۳۷۳: ۲-۲۴۱).

## الگوی حکومت در ایران

الگوی حکومت در ایران تک ساخت و یا بسیط است. در این الگو قدرت سیاسی بطور کلی در دست شخصیت حقوقی واحدی به نام حکومت مرکزی که در تهران به عنوان پایتخت استقرار دارد، قرار داده شده و بصورت عمودی در سطح کشور اعمال می شود (حافظ نیا، ۱۳۹۲: ۲۶۶). به عبارتی نهاد قانون گذاری مستقر در تهران، به وضع و تصویب یکنواخت قوانین یا نرم افزارهای واحد فرمانروایی در پهنه سرزمین پرداخته، که توسط دولت مرکزی در سطوح مختلف فضای ملی به اجرا گذاشته می شود.

سابقه استقرار نظام حکومتی تک ساخت در ایران به زمان انقلاب مشروطه باز می گردد که تا حدی از الگوهای حکومتی مشابه در اروپا متأثر بود. در حالیکه سنت سیاسی در تاریخ ایران نظام حکومتی تک ساخت نبوده است. بدین معنی که قلمرو جغرافیایی ایران بلحاظ سیاسی تحت حاکمیت یک رژیم و نظام حکومتی قرار داشته و همه مناطق از آن تبعیت می کرده اند ولی در شیوه اداره امور داخلی و محلی از اختیارات لازم برخوردار بوده اند. به عبارتی در موجودیت کشور و نظام حکومتی وحدت، ولی در شیوه مدیریت سیاسی فضا در داخل کشور تکثر وجود داشته است. این الگوی رایج در تاریخ ایران با انقلاب مشروطه منسوخ شد و الگوی موجودیت کشور و حکومت واحد به همراه شیوه مدیریت سیاسی فضا بطور واحد در فضاهای داخلی برگزیده شد.

علاوه بر این مقتضیات سیاسی فضای ملی ناشی از کهولت و ناتوانی رژیم سیاسی قاجار، رشد اندیشه های حقوق و نقش آفرینی سیاسی شهروندان، عوارض دوره گذار سیاسی ناشی از جابجایی رژیم سیاسی قاجار به پهلوی، آثار و پیامد های جنگ جهانی اول و اشغال نظامی و گسست فضایی ایران، جریانات روشنفکری وارداتی و بومی ستیز، تضعیف و کاهش مقبولیت حکومت مرکزی و غیره آن رژیم سیاسی و حکومت جدید به رهبری رضا شاه را وادار به اتخاذ سیاست تمرکزگرایی شدید سیاسی، اداری و اجرایی با هدف حفظ یکپارچگی کشور و انسجام فضای ملی از سویی و اولویت بخشی به استقرار نهادهای مدرن وارداتی در تهران و تزریق منابع ملی به آن نمود.

تداوم الگوی حکومتی تک ساخت و تمرکز گرا طی یک قرن اخیر، به شکل گیری و رسوب فرهنگ سیاسی تمرکزگرایانه همراه با تمرکز اداری و اجرایی و نهادینه شدن آن در ساختار حکومت، ذهنیت جامعه، فعالین و صاحب نظران سیاسی و حقوقی ایران منجر شد و بصورت یک پارادایم و الگوی سیاسی مسلط در فرهنگ سیاسی ایران جا افتاد. رسوخ این فرهنگ باعث گردید که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همان پارادایم بر تدوین قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران نیز حاکم گردد.

بطوریکه علی رغم نگرش انتقادی تدوین کنندگان قانون اساسی نسبت به عملکرد رژیم گذشته که به نقد بوروکراسی به عنوان عارضه سیستمهای تک ساخت متمرکز، در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و طرد و رفع آن پرداخته شده است (امین، ۱۳۸۰: ۲۳)، ولی چون ماهیت پارادایم مزبور مورد توجه قرار نگرفته است، همچنان عوارض تمرکزگرایی حکومت و دولت در اشکال مختلف بوروکراسی، تمرکز قدرت تصمیم گیری، تمرکز منابع و رشد سرطانی تهران به عنوان پایتخت ادامه دارد. شاخص های تک ساخت بودن و تمرکز گرایی اداری و اجرایی نظام جمهوری اسلامی ایران را می توان در ۲۷ اصل از اصول قانون اساسی آن ردیابی کرد ( اصول ۳۰، ۴۴، ۴۵، ۴۸، ۴۹، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۷، ۵۸، ۶۰، ۶۶، ۷۱، ۷۳، ۸۴، ۸۵، ۹۴، ۹۶، ۱۲۶، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۶۱ و ۱۷۵ قانون اساسی) (حافظ نیا، ۱۳۹۲: ۷۱-۲۶۹).

### تهران به عنوان پایتخت:

پایتخت به عنوان کانون سیاسی در ایران فاقد ثبات و پایداری بوده است و معمولاً تحت تاثیر عامل سیاسی (اراده سیاسی حکام) جابجا می شده است. در طول تاریخ ایران یعنی از آغاز سلسله ماد تا کنون، ۳۱ نقطه جغرافیایی در فضای کشور چه به صورت ملی و چه به صورت منطقه ای نقش کانونی به عنوان پایتخت را به عهده داشته اند. در مجموع نقاط مزبور ۶۵ بار به عنوان پایتخت برگزیده شده اند، که از میان آنها پایتخت ۳۳ بار در سطح ملی و ۳۲ بار در سطح منطقه ای جابجا شده اند. اولین پایتخت سطح ملی هگمتانه (همدان) و آخرین آن تهران می باشد (حافظ نیا، ۱۳۹۲: ۳۰۳).

انتخاب تهران به عنوان پایتخت در سال ۱۱۷۴ ه. ش. توسط آغا محمدخان بنیانگذار سلسله قاجاریه انجام شد ([www.wikipedia.org/wiki/tehran](http://www.wikipedia.org/wiki/tehran))، که گفته می شود با توجه به دو معیار: امکان نظارت بر سرحدات شمالی با توجه به تهدیدات روسیه، و نزدیکی به استرآباد، مقرر هسته قوم قاجار در شمال ایران صورت گرفته است (میرحیدر، ۱۳۸۹: ۱۴۶).

صرفنظر از اینکه انگیزه انتخاب تهران به عنوان پایتخت توسط شاه قاجار چه بوده است، نکته عمده اینست که تهران همچنان از موقعیت برجسته ای در فضای ملی برای ایفای نقش پایتختی و مدیریت سیاسی فضای ملی برخوردار است. ویژگیهای اصلی تهران

در مقایسه با سایر مکانهای کشور همچنان بدون رقیب و بی بدیل می باشد. تهران به طور نسبی از امنیت در برابر تهدیدات خارجی برخوردار است و دسترسی به آن از سوی متجاوزین به کشور دشوار می باشد. تهران در تلاقی گاه محورهای ارتباطی اصلی کشور قرار گرفته، و کانونهای اصلی سیاسی منطقه ای که در شمالغرب، شمالشرق، شمال، مرکز، جنوب و غرب کشور وجود دارند را در کنترل خود گرفته است (حافظ نیا، ۱۳۹۲: ۲۹۹).

تهران از پتانسیل های زیستی در دامنه جنوبی البرز برخوردار است که هر چند مورد کاستی و یا تخریب قرار گرفته اند ولی همچنان در فضای ملی بلارقیب می باشند. آب، اقلیم، خاک، فضا، دشت های حاصلخیز و غیره در منطقه کلانشهری تهران و استان های مجاور، به آن قابلیت های خوبی اعطا کرده است تا بتواند نقش پایتختی را ایفا کند.

تهران همچنین به نماد ملی و مرکز تجمع گروه های اجتماعی و انسانی از اقصی نقاط کشور تبدیل شده و نقش موثری در هویت ملی ایرانیان ایفا می نماید، و به یک کشور شهر در ایران بدل شده است.

همچنین تهران در ساختار نظام جهانی و بین المللی به سرپل و سطح اتصال فضای ملی ایران به فضای جهانی و سیستم بین المللی تبدیل شده است.

کلانشهر تهران همراه با پسرکانه آن یعنی استان تهران، در پرتو قابلیت ها و ظرفیت های مکانی / فضایی خود و نیز سیاستها، برنامه ها و عملکردهای حکومتی و دولتی بویژه متاثر از نقش پایتختی و مرکزیت سیاسی آن، تواناییهای فوق العاده ای در عرصه های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، مالی، علمی، خدماتی، فرهنگی، ارتباطی و رسانه ای و غیر آن پیدا کرده است که منجر به اضافه بار فضایی بر آن شده است. بطوریکه سرانه فضایی تهران بشدت کاهش یافته و بالاترین تراکم جمعیتی را به خود اختصاص داده است، یعنی ۸۹۰ نفر در کیلومتر مربع که در مقام مقایسه با تراکم نسبی سطح ملی یعنی ۴۶ نفر در کیلومتر مربع، بسیار زیاد می باشد. به عبارتی تراکم نسبی تهران بیش از ۱۹ برابر میانگین کشوری است که بیانگر کاهش شدید سرانه فضایی برای سکونت و فعالیت در آن می باشد (حافظ نیا، ۱۳۹۲: ۱۴۲).

منظومه شهری تهران و پسرکانه آن شامل استان های تهران و البرز مجموعاً ۱۸۸۱۴ کیلومتر مربع مساحت دارند که در حدود ۱،۲ درصد از مساحت کشور را شامل می شود (همان: ۱۴۲). همچنین فضای جغرافیایی مزبور در سال ۱۳۸۸ ه.ش، در حدود ۲۰ درصد جمعیت کشور و در حدود ۳۴ درصد تولید ناخالص داخلی (بدون احتساب نفت) را بخود اختصاص داده است (کرمی، ۱۳۹۲: ۳۴). همچنین در حدود ۷۵ درصد از ثروتمندان شامل دهک های پر درآمد کشور نیز در تهران مستقر بوده اند (همان).

تحولات جمعیتی نظام شهری ایران، متاثر از ساختار سیاسی و سیاست گذاری های اقتصادی در سطح کلان بوده و طی پنجاه سال اخیر تمرکز فعالیت های اداری و صنعتی در شهرهای بزرگ، بویژه تهران و مادرشهرهای منطقه ای بسترساز افزایش جمعیت و گسترش اینگونه شهرها شده است (تقوایی، ۱۳۸۸: ۷۳). تهران تا زمان به قدرت رسیدن پهلوی اول، تنها از نقش سیاسی به عنوان پایتخت برخوردار بود، ولی پس از روی کار آمدن رضاشاه به سرعت به پایتخت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران مدرن تبدیل شد. ساختار سیاسی تمرکزگرا به همراه توسعه قطبی در کشور طی یکصد سال اخیر، به تمرکز فضایی درآمدهای دولتی، صنایع،

تجارت و جمعیت در یک یا چند مکان معین منجر گردید که باعث شکل گیری الگوی نخست شهری بر مبنای تمرکز کارکردهای گوناگون و افزایش تمرکز و تراکم جمعیت و فعالیت در کلان شهر تهران گردید (کرمی، ۱۳۹۲: ۹ و ۲۰).

تمرکز قدرت سیاسی و اداری در ایران ناشی از نظام سیاسی تک ساخت و متمرکز، محصول فرآیندهای سیاسی پس از انقلاب مشروطه طی یک قرن اخیر است که منجر به اقتدار مکان شهری تهران به عنوان پایتخت گردیده است. اقتدار مزبور که محصول کارکرد سیستم تک ساخت و متمرکز سیاسی بود، به تدریج باعث قطبی شدن کلانشهر تهران و افزایش قدرت فرمانروایی آن در فضای ملی شد که تصاحب منابع سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، علمی و ایدئولوژیک کشور و مدیریت کاربری آن بِنفع خود را در پی داشت. کسب وزن ژئوپلیتیکی بالا و موقعیت برجسته در فضای جغرافیایی کشور و شبکه شهری و سکونتگاهی ایران منجر به تمرکز و تراکم منابع مالی و اقتصادی، فنی و تخصصی، علمی و آموزشی، اجتماعی و فرهنگی، ارتباطی و صنعتی، نظامی و امنیتی و غیر آن شد که حاصل آن شکل گیری حرکت و هجرت جمعیت و شهروندان ایرانی از سراسر فضای ملی به سوی منطقه کلانشهری تهران و پسرانه های آن در استان های تهران و البرز گردید. این فرآیند منجر به رشد فوق العاده و سرطانی آن در همه ابعاد گردید و منظومه و سپهر شهری تهران و شهرها و سکونتگاههای اقماری در جنوب البرز مرکزی را با انبوهی از مشکلات، تنگناها و چالشها و اضافه بار فضایی روبرو کرد.

آنچه مسلم است نقطه آغاز و نیز تداوم روند تمرکز و تراکم همه جانبه و چند بعدی جمعیت و فعالیت در تهران و تولید اقتدار و انحصار قدرت برای آن، تمرکز قدرت سیاسی و اداری ناشی از ساخت نظام سیاسی و تمرکزگرایی اداری و اجرایی آن از انقلاب مشروطه تاکنون بوده است. تهران در پرتو خصلت های مکانی و جغرافیایی آن و نیز نگرش، رفتار و سیاستهای دولت های حاکم طی یک قرن اخیر، به شدت به تمرکز، ذخیره سازی و انحصار قدرت روی آورده و قدرت ملی را در تمامی ابعاد بلعیده و تصاحب نموده است. بطوریکه نوعی فرهنگ سیاسی سلطه مکانی را در ذهنیت شهروندان تهرانی اعم از دولتمردان، سیاستمداران، بازیگران سیاسی، احزاب، کادرهای عالی و کارشناسان دولت و مردم عادی شکل داده است که فکر می کنند آنها حق فرمانروایی و تصمیم گیری در همه امور ریز و درشت اقصی نقاط کشور و آحاد ملت ایران را دارند.

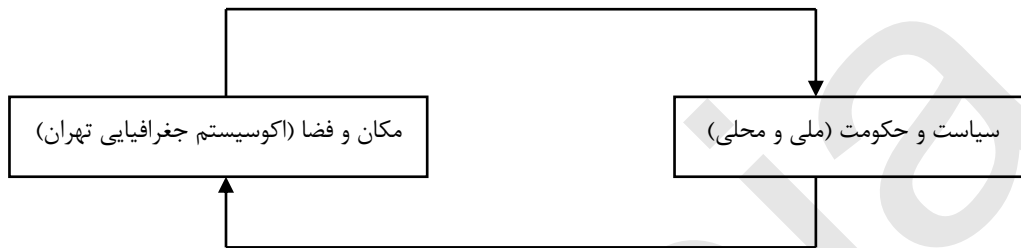
در کنار اقتدار سیاسی تهران، اقتدار اقتصادی و مالی کشور نیز در تهران قرار دارد. تمرکز شبکه های بزرگ بانکی مادر، پول و ارز و جواهرات، بیمه، بازار سنتی و مدرن، کمپانی ها، دفاتر شرکت های صنعتی و معدنی و کارخانجات کشور، تجار بزرگ ملی و بین المللی و غیره در تهران سبب شده است که رهبری اقتصاد ملی در پایتخت متمرکز شود.

اقتدار سیاسی تهران به استقرار قدرت علمی، فنی و تکنولوژیک کشور در تهران در قالب دانشگاههای عمده و مدعی مرجعیت علمی، مراکز تحقیقاتی، کتابخانه ها، سازمانهای متولی علم و تکنولوژی، زیرساخت های علمی، دانشمندان، فن آوران و کادرهای عالی متخصص منجر شده است.

اقتدار سیاسی تهران، اولویت بخشی در برخورداری از خدمات عمومی و اجتماعی و تمرکز خدمات اجتماعی دولتی و غیر دولتی در آن را سبب شده است. اولویت استفاده از خدمات حمل و نقل، مدرن سازی زیستگاه های شهری، امکانات آموزشی، پرورشی، رفاه اجتماعی، عمرانی و کالبدی، بهداشت و درمان، پزشکان متخصص، بیمارستان های تخصصی، امکانات فرهنگی، موسسات فرهنگی و

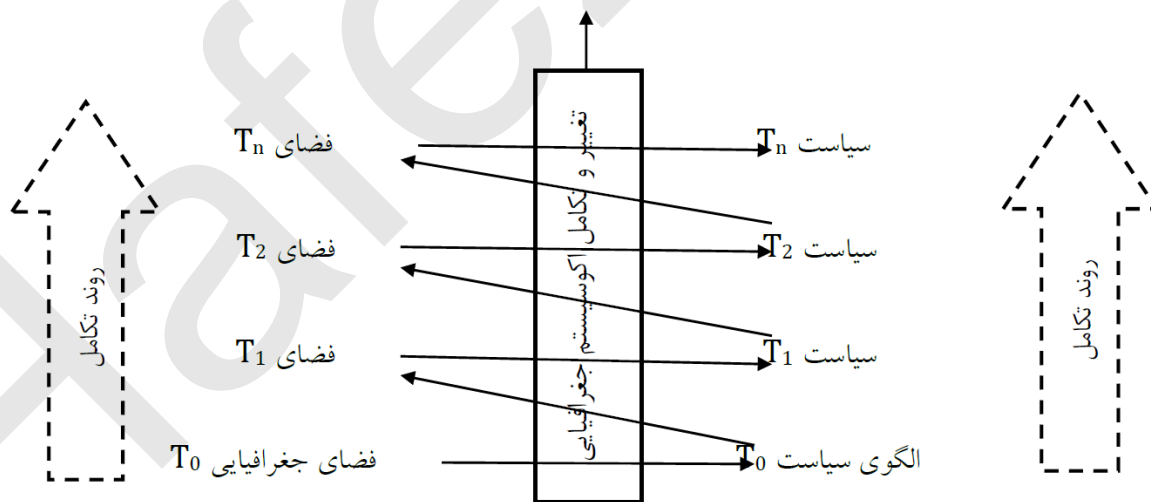
فرهنگسراهای تراز اول، سالنها و مجموعه های نمایشی، هنرمندان برجسته، خدمات اینترنتی و فضای مجازی و غیره در فضای ملی به تهرانیها اختصاص دارد.

هر چند تمرکزهای مزبور برای تهران مزیت بنظر می رسند، ولی از آنجایی که هر گلی خاری نیز دارد، تمرکز کنترل نشده مزیت های مزبور ناشی از سیاستها و اقدامات نادرست حکومت ها و دولت های ملی و محلی در تهران و غفلت از حقوق سایر مکانها و فضاهای جغرافیایی کشور و نیز آثار سوء تمرکزگراییها در تهران، منجر به تولید چالشهای بزرگی برای حکومت، پایتخت، مدیران سیاسی و شهروندان تهرانی شده است. به عبارتی تهران کنونی محصول فرآیند مستمر و مکرر رابطه دینامیکی فضا و سیاست می باشد (حافظ نیا و دیگران، ۱۳۸۹: ۵۵).



مدل نظری زیر روند تکاملی رابطه دینامیکی سیاست و فضا را در تهران نشان می دهد (حافظ نیا و کاویانی راد، ۱۳۹۳: ۱۸۰).

مدل فرآیند دیالکتیکی تکامل فضای جغرافیایی در پرتو رابطه دینامیکی فضا و سیاست



(مدل از: دکتر محمدرضا حافظ نیا، ۱۳۸۶)

غفلت از درک فلسفه جغرافیایی و کارکرد فضایی سیاست در قلمرو تهران و نیز فضای ملی (جغرافیای سیاسی)، منجر به شکل گیری غده های سرطانی بدخیمی در پهنه جغرافیایی کشور و ساختار فضایی آن بنام کلانشهرهای متعدد به ویژه تهران شده است. که هم فضای درونی و ساکنین خودشان را گرفتار کرده است و هم موجبات عقب ماندگی لایه های فضایی پیرامونی و نیمه پیرامونی آنها (استانها، شهرستانها، بخشها و روستاها) را فراهم نموده است. تهران امروزه در کنار برخی مزایا، در منجلابی از مشکلات زیست محیطی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی، خدمات رسانی و غیر آن فرو رفته است که بنظر می رسد شهروندان، مدیران شهری، نهادهای غیر حکومتی، دولتهای محلی و مرکزی، شهرسازان و برنامه ریزان شهری، قانون گذاران و سیاست گذاران از حل آن عاجز شده اند، و هر از گاهی اندیشه جابجایی پایتخت را مطرح می کنند. غافل از اینکه آن نیز دارای بازتابهای سوء و تولید کننده مصائب جدیدی برای مکان مفروض و نیز فضای ملی می باشد (حافظ نیا، ۱۳۹۲: ۳-۳۰۲).

بنابراین ضمن تاکید بر حفظ جایگاه تهران به عنوان پایتخت بی بدیل ایران، راهکار نجات کشور و تهران از بن بست مزبور، شکستن تمرکز قدرت چند بعدی پایتخت به ویژه تمرکز سیاسی، اداری و اجرایی آن می باشد. شکستن عالمانه این تمرکز با بهره گیری از دانش جغرافیای سیاسی و توزیع بهینه و همه جانبه آن در فضای جغرافیایی کشور، هم باعث قرار گرفتن کشور ایران در مسیر توسعه متوازن بیشتر، تحصیل رفاه و آسایش برای ملت، برقراری عدالت جغرافیایی در کشور، حل بخش عمده ای از چالش های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و اداری خواهد شد و هم باعث آمایش درونی کلانشهر تهران و کاهش سرباری فضایی آن و برخورداری شهروندان تهرانی از شانس بیشتر برای زندگی در شهر و زیستگاهی سالم و آرامش بخش خواهد گردید.

### راهبردهای نظام یافته تمرکز زدایی و تراکم زدایی از پایتخت (کنترل توسعه و سبک کردن بار فضایی تهران):

برای رسیدن به هدف مزبور راهبردهای نظام یافته زیر پیشنهاد می شود:

- ۱- **راهبرد بازنگری و اصلاح قانون اساسی**، در باره اصول و جنبه هایی که تمرکز گرایی اداری و اجرایی را مورد تاکید قرار داده اند. توضیح این نکته ضروری است که با توجه به ماهیت نظام جمهوری اسلامی ایران، ایجاد وحدت سیاسی و حفظ یکپارچگی ملی و سرزمینی از طریق نهاد ولایت فقیه و شبکه نمایندگان ولی فقیه و ائمه جمعه و نهادهای مذهبی و رسانه ای، و نیز پارادایم سازی سیاسی حکومت مرکزی، و مدیریت بهینه سیاسی فضای ملی امکان پذیرتر می باشد و نیازی به استفاده از ابزار تمرکزگرایی اداری و اجرایی در نظام جمهوری اسلامی نمی باشد. بعبارتی ملازمه چندانی بین وحدت سیاسی کشور با تمرکز زدایی اداری و اجرایی وجود ندارد.
- ۲- **راهبرد تمرکز زدایی در نظام تصمیم گیری کشور** از طریق توانا سازی دولت های محلی در قلمرو شهرستانها و بخشها و نیز کلانشهرها و سکونتگاههای شهری، و ساختار سازی نهادی برای آن مرکب از شوراهای اسلامی، نمایندگان قوای سه گانه حکومتی در محل (مقننه، مجریه و قضاییه)، نماینده ولی فقیه و امام جمعه، نخبگان علمی، فرهنگی و تخصصی در مقیاس جغرافیایی مربوطه برای تصمیم گیری و اجرا در اموری که ذاتا محلی هستند. یعنی اموری که حوزه نفوذ کارکردی آنها در محدوده جغرافیایی رسمی آن محل (مانند محدوده رسمی شهرستان و یا کلانشهر) قرار دارد.
- ۳- **راهبرد تفویض اختیار معنی دار در ساختار حکومتی و دولتی** و توانا سازی رده های استانی و شهرستانی بخش حکومتی و دولتی برای اموری که ماهیتا غیر ستادی هستند.

- ۴- راهبرد توزیع فضایی و مدیریت بهینه جریان پول و سرمایه در فضای ملی و هدایت هدفمند و برنامه ریزی شده آن به مکانها و فضاهای عقب مانده و حاشیه ای کشور، از طریق بستر سازی توسعه، اختصاص ترجیحات و جاذبه های اقتصادی و جلوگیری از رشد فزاینده این منابع در تهران و سایر کلانشهرها. با کاشتن هدفمند و برنامه ریزی شده پول در مکانها و فضاهای جغرافیایی عقب مانده و یا بکر، فضا می روید و رشد می کند (نظیر شهرهای صحرایی مدرن حاشیه جنوبی خلیج فارس).
- ۵- راهبرد تضمین عدالت جغرافیایی / فضایی در کشور. به عبارتی متعادل سازی فرآیندها و شاخص های توسعه مکانها و فضاهای جغرافیایی با فرآیندها و شاخص های متناظر سطح ملی، از طریق اصالت بخشی به برنامه ریزی های فضایی / آمایشی در قالب برنامه های توسعه ملی و هدایت بهینه جریان پول و سرمایه.
- ۶- راهبرد هماهنگ سازی و تناسب بخشی به حرکات و رشد جمعیت در ایران با سطح توسعه واقع بینانه کشور و شاخصهای توسعه استاندارد (فضایی / کالبدی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و خدماتی) در همه سطوح ملی، منطقه ای و محلی ( به عبارتی راهبرد تناسب جمعیت با توسعه).
- ۷- راهبرد پرهیز حکومت و دولت مرکزی از تصدی گری امور مختلف و عملیاتی، و برعکس گرایش معنی دار به سوی فعالیتهای ستادی و عالی، شامل: خط مشی گذاری، سیاست گذاری، هدایت، نظارت و کنترل بر فعالیت های سطوح استانی، شهرستانی و محلی.
- ۸- راهبرد تعدیل ساختار فضایی و ارتباطی کشور و توسعه الگوهای شبکه ای متوازن در فضای ملی بجای الگوهای شعاعی و کانونی گرا، از طریق آمایش سرزمین.
- ۹- راهبرد الزام قانونی عدم تزریق منابع غیر ذاتی جدید و نیز ممنوعیت ایجاد فعالیتهای غیر ذاتی جدید در منظومه کلانشهری تهران.
- ۱۰- راهبرد افزایش تصاعدی هزینه های سرمایه گذاری و خدمات مربوطه برای فعالیتهای و نیز زیستن در تهران.
- ۱۱- راهبرد انتقال فعالیتهای غیر ضرور و نامرتبب به نقش ذاتی و سیاسی پایتخت، به سایر فضاهای جغرافیایی کشور (نظیر انتقال تعدادی از دانشگاهها، مراکز نظامی، بازار و تجارت، صنعت، حمل و نقل، فعالیت های مالی و بانکی، فعالیتهای فرهنگی و تحقیقاتی و غیره).

#### نکته تاکیدی:

پیش شرط اصلی اثر بخشی راهبردهای فوق الذکر دو چیز است:

**الف: وجود اراده سیاسی قدرتمند با سه ویژگی زیر در سطح ملی و حکومتی و بین هیات حاکمه کشور برای اجرای راهبردها:**

- ۱- مصمم باشد؛ یعنی برای اجرای آنها تا حصول به نتیجه جدی باشد و به آنها ایمان داشته باشد.
- ۲- منسجم باشد؛ یعنی سیاستها، اقدامات و نیز عملکرد همه بخش ها و قوای حکومت و دولت در سطوح ملی و محلی با یکدیگر هماهنگ و هم افزا باشند.



۳- مستمر باشد؛ یعنی تا اجرای نهایی راهبردها و حصول به اهداف آن پایداری داشته باشد و در میانه کار رها نشود.

ب: راهبردهای مزبور اجزای یک سیستم منسجم می باشند، بنابراین اثر بخشی آنها در بحران زدایی از تهران موکول به اجرای همه آنها بطور هماهنگ و هم افزا می باشد.

## منابع

- ۱- امین، محمد. (۱۳۸۰). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات خورشید.
- ۲- تقوایی، مسعود و همکاران. (۱۳۸۹). تحلیلی بر سیستمهای شهری ایران طی سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵. مجله مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای، سال دوم، شماره ۵.
- ۳- حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۹۲). جغرافیا سیاسی ایران. تهران: انتشارات سمت.
- ۴- حافظ نیا، محمدرضا و احمدی پور، زهرا و قادری حاجت، مصطفی. (۱۳۸۹). سیاست و فضا. مشهد: انتشارات پاپلی.
- ۵- حافظ نیا، محمدرضا و کاویانی راد، مراد. (۱۳۹۱). افقهای جدید در جغرافیای سیاسی. تهران: انتشارات سمت.
- ۶- حافظ نیا، محمدرضا و کاویانی راد، مراد. (۱۳۹۳). فلسفه جغرافیای سیاسی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۷- قاضی، ابوالفضل. (۱۳۷۳). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، جلد: ۱. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۸- کرمی، تاج الدین. (۱۳۹۲). تحلیل فضایی تمرکزگرایی در ایران با تاکید بر جایگاه مجموعه شهری تهران. دانش شهر، شماره ۲۲۱، تهران: مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران.
- ۹- میرحیدر، دره. (۱۳۸۹). مبانی جغرافیای سیاسی. تهران: انتشارات سمت.

تهران/ [www.wikipedia.org/wiki/](http://www.wikipedia.org/wiki/) 10-